



گزارش از طفار

۵ آبانماه ۵۰

انقلاب عمان یکی از حساسترین مراحل خود را میگذراند. با تمام شدن فصل خریف، یعنی فصل بارانهای موسمی در منطقه طفار که مصادف با فصل تابستان در سایر مناطق خلیج است، نیروهای دشمن دست به نقل و انتقالات وسیعی در منطقه غریب ابلت طفار زدند، که این نقل و انتقالات حکایت از تدارک دشمن برای یک حمله وسیع قریب الوتسوع مینمود. جبهه خلق برای آزادی عمان، کرازا خبر حمله قریب الوقوع نیروهای شاه را در منطقه غریب اعلام نمود. جبهه خلق همچنین اعلام نمود که این حمله برخلاف گذشته حمله وسیعی خواهد بود، و در آخرین اعلامیه های جبهه گفته شد که این حمله در اواخر آبان ماه آغاز خواهد گردید.

روز ۲۳ مهر (برابر با ۵ اکتبر) حمله نظامی دشمن در ساعت ۵ و ۵ دقیقه صبح بدین ترتیب آغاز گردید:

۱- هواپیماهای دشمن قریه خوف (نزدیکترین قریه یعنی نسبت به مرز یمن - عمان) را شدیداً بمباران نمودند. این بمباران صناها تا غروب روز ۲۳ مهر ادامه داشت. این حملات هوایی در روز ۲۴ مهر نیز صناها تکرار میگردد. تجاوز هواپیماهای دشمن صناک یمن در مکرانیک همچنان ادامه دارد. و در روز سوم مهرماه، بار دیگر بمباران دهگده یعنی خوف از طرف دشمن از سر گرفته شد.

۲- همزمان با بمباران هوایی، تیخانه دشمن در مرکز صرفیت، در شمال غرب منطقه آزاد شده، مناطق مسکونی یعنی را در مرز دو کشور زهر آتش تیخانه سنگین همیس گرفتند. آتشباری تیخانه همچنان ادامه دارد.

۳- همراه با تیخانه و هواپیماهای دشمن، غایبهای جنگی سرود دریا تو ارتش شاه سر، همان مناطق مسکونی یمنی را که ادعا میکردند انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان در تمرکز دارند، زهر آتش تیخانه سنگین خود گرفتند. این آتشباری نیز همچنان ادامه دارد.

۱- در آخرین ساعات روز ۲۳ مهر، دشمن از مرکز صرفیت سمت جنوب در خط مرزی یمن و مکرانیک و عمان شروع به پیشروی نمود که نیروهای ارتش آزاد یبخت خلق در جبهه وسیعی با دشمن درگیر شده، قهرمانانه در برابر آنها دفاع نمودند. جنگ سختی هم اکنون بین انقلابیون عمانی و نیروهای قابوس و ارتش شاه در این منطقه جریان دارد.

۵- همچنین همزمان با پیشروی فوق، دشمن شروع به پیاده کردن نیروهای خفیه در مناطقی در شمال - غرب بندر و خیوت نمود که نیروهای ارتش آزاد یبخت با آمادگیهای قبلی، بمقابله قهرمانانه‌ای با آنان پرداختند و هم اکنون جنگ سختی بین طرفین در این منطقه نیز در جریان است.

نتایج نبرد تا روز ۲۸ مهرماه بر اساس بهائیه های نظامی جبهه خلق برای آزادی عمان به شرح زیر است:

- ۱- سقوط ۱۰ هواپیمای جنگنده و هلیکوپتر دشمن.
- ۲- کشته شدن ۱۵۱ نفر از نیروهای دشمن.
- ۳- نابودی بیش از ۱۰ موضع دفاعی مسلح به مسلسل سنگین دشمن.
- ۴- شهادت ۳ تن از رزمندگان ارتش آزاد یبخت خلق.

این حمله از نظر وسعت، وسیعترین حمله‌ایست که تاکنون نیروهای اشغالگر و تجاوزگر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران قابوس بر علیه انقلاب خلق عمان بدان دست زده‌اند.

از طرف دیگر، برای نخستین بار در تاریخ دخالت نظامی ارتش شاه در عمان، رژیم شاه و قابوس رسماً اعلام میدارند که به خاک یمن و مکرانیک تجاوز کرده و مناطقی را در این کشور بمباران نموده‌اند. این سیاست جدید استعمارگران و سگان زنجیری آنها، شاه و قابوس است که با بمباران مناطق مسکونی خاک یمن و مکرانیک، در برابر افکار عمومی جهان و بویژه خلق عرب، مسئله اصلی عمان را که عبارت از نبرد رهایی بخش خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان بر علیه رژیم دست نشانده سلطان قابوس میباشد، اختلافات بین رژیم قابوس و دولت انقلابی یمن و مکرانیک جلوه دهند، و بدین ترتیب از برسمیت شناختن جبهه خلق برای آزادی عمان سر باز زنند.

دولت انقلابی یمن و مکرانیک، با هوشیاری کامل از هرگونه اقدامی که منجر شناسایی رسمی ادعای دولت‌های دست نشانده ایران و عمان شود، اجتناب میورزد و مصراً بر این

ضمیمه شماره ۱۲ - نشریه خبری مجاهدین - صفحه ۳
موضع تأکید مینماید که دولت یمن و مکرانیک بهیچوجه دخالتی در امور داخلی عمان نداشته
مسئله اصلی را، جنگ بین دولت قابوس از یکطرف و خلق عمان برهبری جبهه خلق برای
آزادی عمان از طرف دیگر تشکیل میدهد.

از طرف دیگر، دولت‌های ارتجاعی و تسلیم طلب عرب، در برابر تجاویزات و کشتاری که
نیروهای تجاوزگر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران اردنی و قابوس نسبت به خلسق
قهرمان عمان بعمل می‌آوردند، سکوت اختیار کرده، با سکوت خفیف در اعمال فشار بر جنبش
عادلانه و بحق خلق عمان شرکت می‌جھند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، طی تلگرامی همبستگی کامل خود را با مبارزات
عادلانه و بحق خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام نمود. ما از کلیه
نیروهای انقلابی و شرقی و بشردستان می‌خواهیم که بحمايت از انقلاب خلق عمان که مورد
وحشیانه ترین حملات نظامی ارتش شاه مزدور و سگان همزنجیرش و استعمارگران انگلیسی
قرار گرفته است، برخیزند، و با کوششهای افشاگرانه خفیف، توطئه سکوت حکومت‌های ارتجاعی
عرب را درهم شکنند.

متن تلگرام همبستگی سازمان مجاهدین خلق، بدین شرح است:

رفقای کمیته اجرائی مرکزی جبهه خلق برای آزادی عمان!

در زمانیکه حملات وحشیانه و مشترک نیروهای شاه، این ژاندارم امپریالیسم
آمریکا در منطقه و نیروهای قابوس مزدور بفرماندهی استعمارگران انگلیسی و با
همکاری نیروهای ملک حسین خائن بر علیه خلق قهرمان و برادر عمان شدت یافته
است و شاه‌ه‌این دیکاتور خون آشام و این جلا د خلقهای ایران و خلیج از درون
بلندگوهای تبلیغاتی خود بیشرمانه‌نمقش خود بعنوان ژاندارم امپریالیسم در منطقه
و کشتار خلق عمان افتخار میکند، و در زمانیکه مترجمین محلی و تسلیم طلبان
عرب در برابر کشتار وحشیانه خلق قهرمان عرب در عمان به توطئه سکوت ادامه
میدهند، ما از درون سنگر مبارزه مسلحانه خلق در ایران و در زهر سیاه‌ترین
و ددمنشانه ترین دیکاتورهای پلیسی تاریخ، همبستگی خود را با مبارزات
عادلانه خلق عمان برهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" اعلام میداریم و بار
دیگر پیوند انقلابی خفیف را با شما در راه نابودی کامل امپریالیسم و سگان
زنجیرش در منطقه، بهیژه شکست نقشه‌های توسعه طلبانه و مداخله جھانه
رژیم شاه در خلیج، تجدید مینمائیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ما یقین داریم همه تلاشهای تجاوزکارانه و ضد خلقی امپریالیست‌ها و مرتجعین محلی در برابر اراده انقلابی خلقهای منطقه و همبستگی هر چه بیشتر آنها، سرانجامی جز شکست خفت‌بار برای آنان نخواهد داشت. و این سرزنشت محتوم همه دشمنان خلق‌هاست.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۸ مهرماه ۱۳۵۴

از طرف دیگر در روز جمعه ۱۹ مهرماه گذشته، از طرف جبهه خلق برای آزادی عمان کنفرانس مطبوعاتی ای با شرکت خبرنگاران روزنامه‌ها و مطبوعات معروف عربی و غربی و از آنجمله خبرنگار روزنامه لوموند و مجله نوول ابزواتور فرانسوی و مجله شرقی البلاغ بهروزی و همچنین خلبان اسیر ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر، در مناطق آزاد شده عمان تشکیل گردید و در آن کنفرانس خلبان اسیر به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

در این مصاحبه مطبوعاتی که در اغلب مطبوعات معروف عربی منتشر گردید، ستوان اشرفیان از رفتار نوو العاده انسانی و دوستانه جبهه خلق برای آزادی عمان در مورد خویش سخن گفت و اظهار داشت که رژیم شاه فرماندهان ارتش ایران، مردم و انقلابیون طغمار را مشتق شورش وحشی معرفی می‌نمایند، درحالی‌که او با حقایق کاملاً مخالف ادماهای فرماندهانش در طغمار روبرو شده است.

خلبان اسیر در این مصاحبه اظهار داشت که او به توسط افسران آمریکایی که در ارتش ایران هستند، تعلیمات دیده است. خلبان اسیر پیوسته از این موضوع اظهار نگرانی میکرد که مبادا اگر حقایق را در مورد رژیم شاه بگوید، رژیم و فرماندهان ارتش فرزندانش خردسال او و خانواده فقیرش را تحت فشار اقتصادی قرار داده، آزار و شکنجه نمایند.

خلبان اسیر در این مصاحبه درباره عدم رضایت سربازان و افسران ایرانی در ارسال آنها به طغمار سخن گفت و وقتی از او در مورد دلیل عدم رضایت نیروهای ایرانی به شرکت در جنگ با انقلابیون عمان سؤال شد، او پاسخ داد: زیرا که آنان هیچگونه منافعی در این جنگ ندارند.

ستوانیکم اشرفیان در دنباله سخنان خود اظهار میداشت که خلبانان ایرانی از فرماندهان خود دستور اکید دارند که حیوانات و مراکز تجمع آب اهالی طغمار را نابود سازند، و وقتی از او در مورد دلیل این امر سؤال شد، افزود: زیرا که حیوانات تنها وسیله زندگانی این مردم اند!

ضمیمه شماره ۱۷ - نشریه خبری مجاهدین - صفحه ۵

سخنگوی جبهه خلق برای آزادی عمان در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که سازمان صلیب سرخ بین المللی طی تلگرافی از هلال احمر عمان درباره چگونگی وضع ستوان اشرفیان پرسیده و از هلال احمر عمان خواسته است تا ترتیبی دهد که نماینده صلیب سرخ بین المللی بتواند با ستوان اشرفیان اسیر ملاقات نماید. در پاسخ به این تلگراف صلیب سرخ بین المللی، هلال احمر عمان طی تلگرافی رسماً اعلام نمود که خلبان اسیر در سلامت کامل بوده و خانواده او میتوانند از طریق جبهه خلق برای آزادی عمان با او مکاتبه داشته باشند. ولی در مورد ملاقات نماینده صلیب سرخ بین المللی با خلبان اسیر، سازمان هلال احمر عمان اعلام داشت که این امر در صورتی امکانپذیر است که همزمان با آن، نماینده جبهه خلق برای آزادی عمان و با هلال احمر عمان بتوانند از زندانبان سیاسی عمانی در زندانبانی مدقت دیدن نمایند.

خلبان اسیر ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر از اهالی رضائیه آذربایجان بوده و چهارمین سال خدمت خویش را در ارتش ایران میگذرانده است. ناصبرده دارای دو فرزند دختر و پسر میباشد.

ما در زهرتن کامل گفتار خلبان اسیر ستوان اشرفیان را خطاب به خلق عمان، عیناً نقل میکنیم.

تن کامل گفتار خلبان اسیر ایرانی، ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر، که در مراسم خاصی در مناطق آزاد شده عمان (اهالت ظفار) در تاریخ پنجم آبان ماه، با شرکت گروه کثیری از مردم عمان، خطاب به خلق عمان ایراد کرده است:

"هدف ما مبارزه با شما بود. ولی با ایرانیان اصولاً هیچوقت راضی نبودیم که باین ماموریت بیاثیم. ولی چون سربازیم، مجبوریم دستور را گوش کنیم. ما از اینکه آمدیم باینجا، هیچ چیز درباره شماها ما نمیدانستیم. فقط ایس رو میدونستیم که اونا یکمده شورش هستن که کم نیست شدن، که صدوان منطقه استان ظفار رو مستقل کنن و زندگی کنن. از اینکه گفتن درباره شماها هیچ چیزی نمیدانستیم، حقیقت داره. و در ضمن بما گفته بودن و شدید مودیم که میگفتند اگر کسی بخارف شماها، یا اسیر شما بشه، در وهله اول قطعه قطعه اش میکنن.

و در یکی از این ماموریت ها بود که برای سربازها آب پرده بودم، در موقع برگشتن مورد اصابت گلوله شما قرار گرفتیم و وقتی هلیکوپتر من سرنگون شست،

چون رفیقم سنس کم بود ، من بهش گفتم برو . ایشون رفت . چون پای من گولسه خورده بود ، ماندم و بنده اسلحه‌ای که نداشتم که از خود دفاع کنم . چون برای ما دونفر يك اسلحه بود که من آنرا دادم برفیقم و خودم بی اسلحه‌نشستم . دراین موقع دیدم سه تا از رفقای شما دارن میآیند بطرف من . چون قبلا شنیده بودیم که رفقای شما بمحرم بدن اسیر میکنندش ، و من چون اسلحه نداشتم از خودم دفاع کنم ، خودم را برای مردن آماده کردم . ولی برعکس تصور من ، این رفقا شما عزیز اینکے مرا ازیت بکنند ، چون اسلحه نداشتم ، باکمال محبت ، مهربانی با اینکے طهاره‌های انگلیسی بمباران میکردند اطرافرا ، اینها کمک کردند از زمین بلند شدم . مرا باخودشان آوردند توی غار . من چون از درد پام خیلی ناراحت بودم ، حتی خواهش کردم که اینا مرا بکنن . ولی اینا عوض اینکے مرا بکنن بمن محبت کردن ، مرا آوردن توی غار . توی غار که رسیدیم ، دیدم واقعا اینا چه صفا ، چه صمیمیت ، چه محبتی نسبت به همدیگه دارن .

تقریبا پنج روز طول کشید که مرا از جنگل تا اینجا آوردن و حتی برای راحتی من تنها وسیله‌ای که در آنجا بود ، يك الاغ بود ، اونو آوردن که من راحت باشم . خودشون تنه‌ها بی‌توربین میدادن من روس میخوابیدم ، خودشون روی زمین میخوابید . واقعا من تحت تأثیر کارهای اینا قرار گرفتم . درد اخل جنگل بسا اینکے تنه‌ها براینها افزود میآید ، گوله تنه‌ها ، انگلیسی‌ها از هوا تیراندازی میکردن و نو اینا مراز بزرستنگ قلم میکردند بعد خودشون میامدن قائم میشدن ، و باهم ترتیب بوده که آمدم رسیدم با اینجا .

خیلی عذر میخوام ، بادم رفت بهتون بگم در جنگل بهرزنی مراد بد با اینکے فکر میکنم این یکی از بستگان هم مرده بود ، این منمخل کرد و بوسید . من واقعا از این بهرزن خجالت میکنیدم که چرا ماها آمدیم اینجا برای چه ؟ کی رابکنیم ؟ این زن را ؟

و ما آمدیم اینجا رسیدیم . در وهله اول دکتر آمد بالای سرم رابانسان کرد و این مردمی را که دور و بر من بودند ، والان هم هستن ، يك آن از مواظبت من غفلت نمیکنند . آب میخوام ، آن واحد بالای سرم حاضر میکنن . خودشون غذای بد میخورن ، بهترین غذا رابمن میدن . اینکار واقعا شایسته يك انسانه . من خودم رو قابل این همه محبت شما نمیدونم . و چیزی که مرا اینجا بیشتر تحت تأثیر قرار داد ، این یکسان بودن ، هم شکل بودن محبت ، صمیمیت و وفاست که شماها نسبت به همدیگه دارین . در مملکت ما یا در مملکتهای دیگه اینطور

نیست. هرکس پول دارد، بیشتر احترام دارد، هرکس فقیر احترام ندارد. بعقیده شخص من، این تنها آرزوی هست که یک ملت فقیر دارد. ملت فقیر چه شماها باشید، چه ماها باشیم، چه جاهای دیگر دنیا باشند، طالب آزادی، طالب محبتند. من این احساس رو در بین شما دیدم وجودم چون از طبقه فقیرم، بخواسته‌های شما احترام میگزارم و خواسته‌های شما رو میدونم که الان بهترتون میگویم.

من در اول گفتم شما، ما ایرانیها هیچ چیز درباره شما نمیدانیم. ولی الان که من آدم اینجا بعنوان یک ایرانی، این حقیقت برام مسلم شده که جنگ شما یک جنگ کمونیستی نیست. شورش نیست. بلکه یک آزادیه. شما هم طالب آزادی هستید. طالب این هستید که مدرسه داشته باشید، بیمارستان داشته باشید. مثل بقیه مردم آزادی داشته باشید. ولی ماها نمیگذاریم. و این حرفهایی که من میزنم، اینها از روی ترس نیست. برای اینکه من از مرگ نصرت‌م و رفقای شما بهیچوجه مرا اذیت نکرده‌اند که من پیام این حرفها رو بشما بزنم. اینها حقیقتی است که مهیبتم و احساس میکنم.

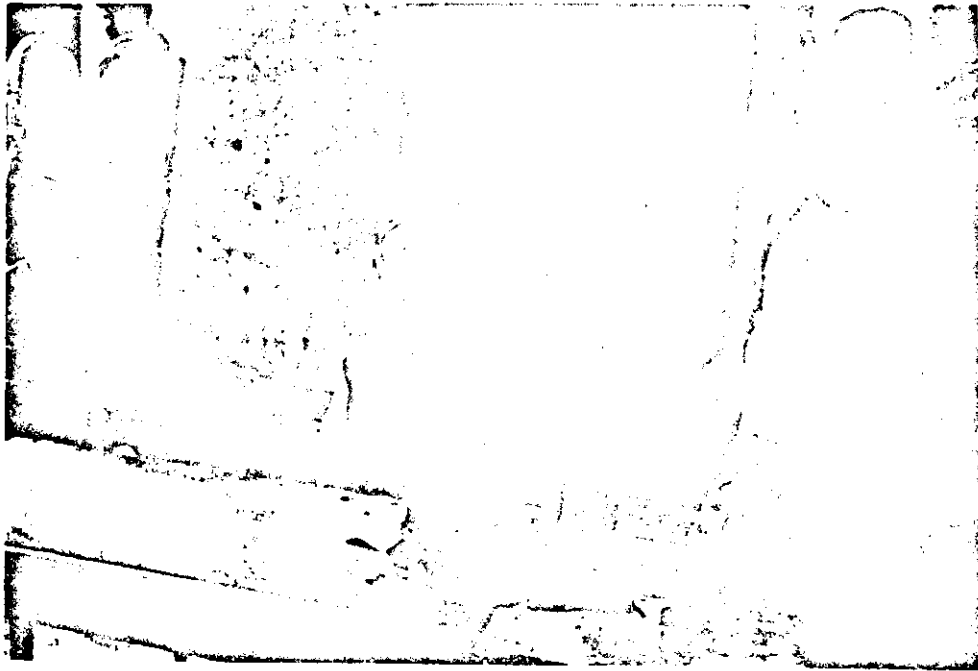
من مثل شماها که اغلبتون بچه دارین، دوتا بچه دارم. یکیش پسره یکیش که کوچیکه دختره. کوچیکن اینا، ولی دلم میخواد یک زمانی اینا هم مثل شما ایمان داشته باشن. شماها هستون ایمان دارین و بخاطر ایمانتان جنگ میکنین. ولی ماها بخاطر چی؟ بعد از اینکه الان میفهم که شما واقعا بخاطر آزادی و بخاطر ایمانتان جنگ میکنین، بشما احترام میگذارم و بخاطر محبتهایی که بمن کردین و میکنین، من هرکمی از دستم برمیاد، برای شما میکنم.

دولت من و دولت همان، من نمیدانم برای چی ما را فرستادن اینجا؟ یا سلطان از ما چی میخواد که ما را خواسته اینجا؟ بما گفته که اینها شورشین، ولی دلم میخواد تمام ایرانیها اینجا باشند و ببینند که این مردم فقیر شورش نیستند. بخاطر بچه هاشون، بخاطر آزادیشون، بخاطر زندگیشون دعوا میکنن.

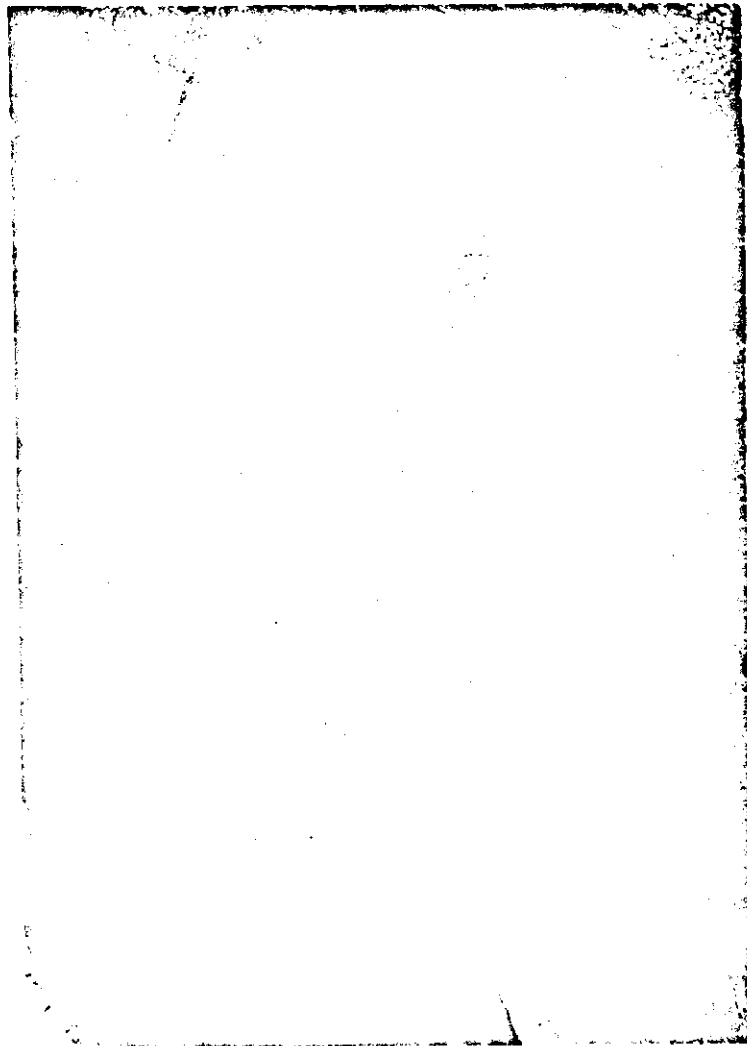
امروز از رفقای شما شنیدم که سه تا از رفقای شما که منو آوردن اینجا و نهایت محبت را بمن میکردن، شنیدم اینا شهید شدن. من از این باباست واقعا تأسفم. اینا بخاطر آزادیشون مردن. و اینم میدونم چون رفقای شما گفتند شماها بسیاری از عزیزانتان را از دست دادین و من چون یکی از آن

آدمها هستیم که آدم اینها و عزیزان شما را گرفتیم، بخاطر محبتهای شما، بخاطر انسانیتهای شما که بمن کردید، من خونم را برای شما حلال میدانم و در سزایم عراضم آرزو میکنم که شما با این ایمانی که دارید، به خاطر هدفی که دارید، موفق باشید.

میدانید که فراموش کردم بهترین بگم، این کلاه که می بینید و این لباسی که می بینید، این هواپیمائی که می بینید، خیال نکنید این شکست ناپذیره. این کلاه فقط برای صحبت کردن با پایگاهست، فقط و پس. حفاظ دفاعی نداره و در ضمن این هواپیمای هلیکوپتر هم که می بینید، این آسیب پذیره. خیال نکنید که این فضا ناپذیره. از این وحشت نداشته باشید.



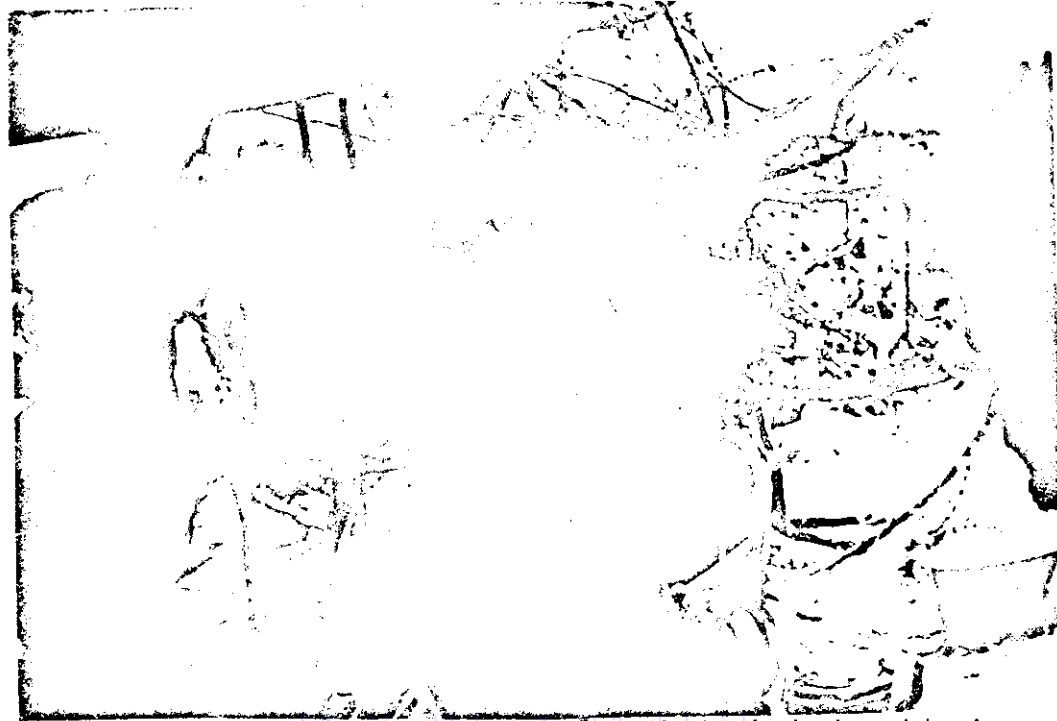
دانشان اسیر سترا نیکم بررهز علی اشرفیان آذر
در مصاحبه مطبوعاتی که در منطقه آزاد شده ظفار بر پا شده بود



قطعه ای از هنرهای هوکرها نثر انگلیسی که در روز مهر ۱۳ ماه
در منطقه ظفار سقوط کرد

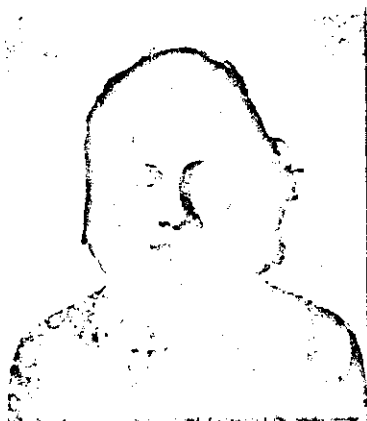


گروهی از رزمندگان ارتش آزاد یخس که در حال بازگشت از تعطیلات هستند تکه‌هایی از هواپیمای سرنگ شده را با خود حمل میکنند



مادر قهرمان طفاری قطعه‌ای از هواپیمای سرنگ شده بدست فرزندش انقلابی خلق عمان را نگاه میکند

شهادت رفیق رفعت افراز در قطار



روز هشتم شهریور ماه یکی از فرزندان انقلابی خلق
رفیق رفعت افراز از اعضای سازمان مجاهدین
خلق ایران که از طرف سازمان بهاری برادران عمانی
خود در آن سوی خلیج اعزام شده بود، در عساکر
شهادت رسید.

رفیق افراز در سال ۱۳۳۴ در شهر جهرم در خانواده
دعای شویب متولد شد. بر اوایل جوانی پس از در

گذشت پدرش بود در حین تحصیل از طریق کارهای خانگی عهده دار قسمتی از مخارج زندگی مادر و
خواهرانش شد. پس از گذراندن دبیرستان به تدریس در مدارس جهرم و تهران پرداخت. او
آموزگار دلسوز، جدی و صریح کودکان جهرم بود و در حرفه معلمی اش همواره به افشای جنایات
 رژیم شاه و بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان می پرداخت.

فعالیت اجتماعی - سیاسی او از شرکت در برخی محافل مذهبی - سیاسی جهرم شروع شد. او در سال
۱۳۴۶ به تهران آمد و به عنوان مدیر دبستان رفاه مشغول به کار شد. از ابتدای اقامتش در تهران
در ارتباط با سازمان قرار گرفت و از سال ۴۹ به عضویت سازمان مجاهدین در آمد. از سال ۵۰ به ویژه
پس از ضربه شهریور ۵۰ در روزنامه دیکتاتوری - پلیسی شاه جنایتکار شد بدترین حملات سرکوب را
 علیه انقلابیون خلق ماحصل می داشت. رفیق افراز با ساختن محفل‌هایی بیشترین وقت خود را به برای
 مبارزه علیه دشمن خلق آزاد نمود و تا سال ۵۴ در حالیکه بصورت علنی زندگی می کرد - به مبارزه خود
 علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن ادامه داد.

ضمیمه شماره ۱۲ ===== نشریه خبری مجاهدین ===== صفحه ۱۰

در سال ۵۴ همزمان با تشدید حملات نیروهای متحد ارتش شاه و قاپوس - این سگان زنجیری امپریالیسم - لیسم آمریکا و انگلیس - علیه خلق قهرمان عمان برای استحکام وحدت هرچه بیشتر نیروهای انقلابی منطقه و باری رفتن انقلاب ما در آسوی خلیج به جبهه نبرد علیه امپریالیسم - ارتجاع در ظفار اعزام شد . وی متناقضانه از مبارزه در سخت ترین شرایط اقلیمی علیرغم ضعف جسمی اش، و علیرغم ابتلا به بیماری آسم ، استقبال نمود .

رفیق افراز چندین ماه همدوش رفتن عمانی در ارتش آزادیبخش خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه داد و در روز هفتم شهریور ماه ۱۳۵۴ در اثر ابتلا به یک بیماری بومی شهید شد .

گرامی بساد خا طوره مجاهد شهید رفعت افراز

ستحکم بساد همبستگی نیروهای انقلابی منطقه

سرگ برامپریالیسم و سگان زنجیرش شاه و قاپوس

در منطقه